

نافرمانی؛

پیرامون تک جنسیتی شدن فضاهای شهری

Disobedience; About the homogenization of urban spaces | Bahareh Golkar

The government recently created "Women's Parks", specifically for women. What are the purposes of such spaces? Participating in sports or other city spaces makes women feel safe. Security may be the only reason for a law based on vision. Therefore, it seems inevitable that the law will provide security.

طی سالیان اخیر چیزهایی درست کرده‌اند به نام «پارک بانوان» که مختص به بانوان است. هدف چه بوده؟ اینکه بانوان کشور در فضاهایی از شهر احساس امنیت کنند و برای مثال ورزش کنند یا کارهایی دیگر. امنیت تنها دلیل وجود چیزی به نام قانون است. در نتیجه آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که قانون موظف به تأمین امنیت است.

شروعی سخت‌تر از این را هرگز تجربه نکرده‌ام. در طی سالیان اخیر چیزهایی درست کرده‌اند به نام «پارک بانوان» یا امثال این‌ها که مختص به بانوان است. هدف چه بوده؟ اینکه بانوان کشور در فضاهایی از شهر احساس امنیت کنند، ورزش کنند یا مشغول به انجام کارهایی دیگر باشند. امنیت تنها دلیل وجود چیزی به نام قانون است. در نتیجه آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که قانون موظف به تأمین امنیت است. با این تدبیر ترسی بر حضور نیمی از جامعه در کنار نیمی دیگر در تمامی فضاهای شهر و برای انجام هر اقدامی نیست که تنها آن نیمه قادر به انجامش هستند.

مرز بین خشم و مهربانی کمرنگ‌تر از همیشه و سردرگم‌تر از قبل، موج‌سواری ما را تماشا می‌کند. خط تراز قانون و امنیت را نه با دست می‌توان لمس کرد و نه با چشم می‌توان دید. آنجا که در شب می‌ترسی یا ترسانده می‌شوی از حضور در «خیابان»، ترس از چیست؟ خیابان که دهان ندارد عزیز ما را قورت دهد. این نبود امنیت است که دختر خود را از حضور در خیابان منع می‌کنید. حال سؤال مهم این است، چنانچه قانون را یک طرف و معماری را در طرف دیگر قرار دهیم، کدام یک نقش مهم‌تری را ایفا می‌کنند؟ آیا از هم جدا هستند؟ آیا می‌توانند یکدیگر را دریا بند و به کمک هم بیابند؟

دانش ناچیز در قبال «فرد» و نه «مرد یا زن» تنها نجات‌دهنده شرایط تأسف برانگیز امروز است. این اتفاق نه سناریو می‌خواهد و نه نیازی به نهادهای دولتی دارد. تنها باید «انسانیت» را بشناسیم، فارغ از هر صفتی. مسخره شدن، آسیب‌دیده و پس‌زده شدن در تمام کوچه‌های شهر حس‌شدنی است. این نگاه تا جایی که به قانون مربوط است، خودش راه خودش را بازگشاید؛ اما بخش مربوط به معماری راه‌حل‌های خودش را

← بهاره گلکار

۱۳۷۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه خيام مشهد

دارد. این مسیر در نگاهی عمیق‌تر شهرسازی نام می‌گیرد که در این مقاله این دو واژه در کنار هم و در برهم استفاده خواهند شد.

هر فضایی مبنی بر اختصاصی بودن برای بانوان تنها یک معنا دارد: حذف زنان از جامعه و انتقال آنان به فضایی محدود. حال این اتفاق با هر توجیهی مبنی بر اجتماع، اقتصاد یا فرهنگ هم که باشد، اقدامی غیرحرفه‌ای محسوب می‌شود. کنار گذاشتن، راه نیست، بیراهه است و به گوشه راندن، پوششی بر این تخطی است.

حضور زنان پایه‌های اجتماعی چه کسانی را متزلزل می‌ساخت؟ آنان که می‌دانستند توازن ذهنی بسیاری از زنان (همچون بسیاری از مردان) ممکن است توقف‌ناپذیر باشد. کنترل موجودیت اجتماعی و حضور نیافتن زنان در میدان‌های اجتماعی و راحت گذاشتن نیمی از جامعه در کل جامعه و نیمی دیگر فقط در فضایی محصور، چاره کدام ترس است؟ آنچه متصور بودند محقق نشد؛ یعنی آنچه می‌خواستند که زنان باشند، موجودی با ناتوانی از انجام قضاوت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی.

تا اینجا شکاف جنسیتی را بررسی کردیم که راه‌حلی نه معمارانه-شهرسازانه، بلکه متعصبانه برایش دوخته بودند؛ اما آیا دستور کار پژوهشی هم وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید در ابتدا پرسیم که چرا لازم است تا فضاهایی مختص به یکی از جنسیت‌ها به وجود بیاید؟ از آنجایی که این سؤال به‌طور کامل یک مسئله اجتماعی است، ما به بررسی این مهم می‌پردازیم که «حضور و مشارکت زنان در شهرهای ایران چگونه می‌تواند ارتقا یابد؟»

آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که تمام شهر برای تمام مردم است و تک جنسیتی شدن برخی فضاهای شهری امری نامعقول به شمار می‌آید؛ حال هدف هرچقدر هم در کلام زیبا بنماید در عمل تنها تعارض است و دشمنی. چنانچه کلیت

فضاهای شهری مشکلی برای حضور آزادانه آدمیان نداشته باشد، به چنین فضاهایی هم نیازی نخواهد بود. افعالی که در فضاهایی چنین تک جنسیتی رخ می‌دهد، افعالی عادی است و خارج از شئون انسانی نیست و حتی همان رفتارها هم کنترل می‌شوند؛ در نتیجه همه این افعال می‌توانند در سایر فضاهای شهری نیز تکرار شوند. بانوان می‌توانند به راحتی در تمامی پارک‌ها و فضاهای سبز ورزش کنند، قدم بزنند، موسیقی گوش دهند و نفس بکشند. اگر جایی از این اعمال با مشکل مواجه است باید به سراغ قانون و مسئولانش رفت و از آنان خواست تا این مشکل را رفع کنند؛ چراکه آنان موظف به تأمین امنیت هستند.

تفریحات و سرگرمی‌های عمومی در شهر با حضور زنان و مردان در کنار هم افزایش می‌یابد. زنان خود خالق برخی از این سرگرمی‌ها خواهند بود و انرژی‌بخش بیشتر آن‌ها. در نتیجه اگر این تفریحات افزایش و به لحاظ کمی و کیفی بهبود یابد، خود نقش بسزایی در افزایش مشارکت زنان خواهد داشت. درهم تنیده شدن افزایش تفریحات عمومی شهری و مشارکت زنان، چشم‌گیر و بدون شبهه خواهد بود. به علاوه زیبایی بصری فضاهای عمومی نیز مؤثر است. به عنوان مثال عکس گرفتن در یک پارک زیبا، کافه یا حتی بلوار زیبا می‌تواند اقدامی طبیعی و بدون برنامه‌ریزی باشد. جدا از عکاسی، روحیه خانم‌ها با فضاهای زیبا سازگارتر است و تمایل به حضور بیشتری در آن‌ها خواهند داشت. احساس و انرژی دریافت‌شده از یک فضای زیبای شهری، روحیه کاری و زندگی را افزایش می‌دهد. این فرایند هم شهرها را زیباتر می‌کند و هم مردم را پویاتر. به‌طور خلاصه و در نهایت از نگاه نگارنده چیزی که مشارکت زنان را در فضاهای عمومی شهری افزایش می‌دهد به قسم زیر است:

- امنیت
- تفریحات و سرگرمی‌های عمومی
- زیباسازی فضاهای شهری